فرستنده: زمری کاسی ۲۰۲۳/۰۱/۱۶

باغ علی مردان ، شهر کهنه کابل

هنگامیکه شاه جهان درسال ۱۶۳۹ میلادی بخاطراجرای اموربه کابل رسید، علی مردان خان حاکم سابق قندهار راحاکم کابل مقررنمود. علی مردان ازقدرت وثروت که دراختیار داشت دراعمار وسرسبزی شهر کابل واحداث باغ بزرگ در ساحهٔ وسیع با آبادی های زیبا،حمام و تعمیرچارچتهٔ مشهور رادربالای پل خشتی وسرچوک متصل مسجد پل خشتی الی بازار ریکا خانه که بزرگترین مرکزخرید وفروش وتجارت مردم کابل به شمارمیرفت، بنا نهاد، چارچته درسال ۱۸۴۲ بخاطر انتقام جوئی قتل مکناتن ازطرف انگلیسها سوختانده شد.

گذرباغ علیمردان درمیان باغ ها قرار داشت ویکی از محلات معروف کابل آن زمان بود.

پس از انتقال پایتخت از قندهار به کابل، سرداران و شاهزادگان درجوار خانه های که علی مردان خان اعمار نموده بود ،برای خود منازلی احداث کردند که به همان نام (باغ علیمردان) معروف شد.

این گذردرجنوب دریای کابل قرار دارد که ازپل خشتی الی پل قلعه محمود خان واز طرف شمال ،حصهٔ دوم جاده میوند، شرق آن مسجد عیدگاه موقعیت دارد.گذرباغ علی مردان کوچه ها وگذرهای که بطرف شرق چارچته موقعیت داشتند چون قصاب کوچه ، کوچه چرمگرها، کوچه نداف ها، بوریا فروشی،پایان چوک ، بازارریکاخانه وسر حوض ریکاخانه،کوچه محمدزائی هاوکوچه میرقمرالدین وعقب مسجدعیدگاه رابه هم وصل نموده بود .

گذرمرادخانی درکناردیگردریا ومقابل گذرباغ علیمردان قراردارداین دوگذر توسط پلی به هم ارتباط داده شده که درگذشته ها برای عبور ومرورهرشخص یک پیسه [یک پول] رایج همان زمان گرفته میشد وبهمین سبب این پل بنام پل (یک پیسه گی) یاد میشد .

وقتی ازپل یک پیسه گی داخل گذرباغ علیمردان میشدی دواخانه عباسی وبرج برق نظرت راجلب میکرد درداخل گذرحمام وکوچه ها ودالان های سرپوشیده که خانه ها با دروازه های کندن کاری شده وزنجیریاحلقه های سنگین مزین بود، توجه را جلب میکرد. در راه بوریا فروشی کوچه باریکی بود که شخصی بنام کاکه چوچه زنده گی میکردو قفس های زیاد جَل داشت .

درداخل گذرباغ علیمردان برای رفع ضروریات مردم دکان های بقالی، نانوایی، ترکاری، دکان های چرم گری، ومحوطه های چوب وذغال فروشی ، کباب چوپان خلیفه نظر وحاجی چوپان وسایردکانها موجود بود.

درهمه کوچه ها وگذر های کابل منجمله درباغ علی مردان هم، شیوه هم کوچه بودن وپرنسیپ های "شیرآغاو شرین گل " مراعات میشد پسران جوان بااینکه ازگوشه وکنار بام ها هنگام بام خوابی ، کاغذپران بازی یا دروقت پراندن کفترهاچشم به یکدیگر می انداختند ولی اگر شخص بیگانه ای "خدا ناخواسته "داخل حریم کوچه میشد، بسیار خوش می بود که زنده ازآن کوچه براید.

کاپی شرح ؛ از فیسبوک محترم "پاینده محمد اکبری "

لطفاً مقالات خود را به این آدرس ارسال بدارید | مهرباني وکړئ خپلې مقالې دې آدرس ته ولیږئ: info@arianafghanistan.com